

The Lived Experience of Homeless Youths Transitioning to an Independent Life and Entering the Society in the City of Tehran

Marita Bagheri 

PhD Candidate of sociology of social groups,
Dehaghan branch, Islamic Azad University,
Dehaghan, Iran

Asghar Mohammadi * 

Associate Professor, Department of Sociology,
Dehagan Branch, Islamic Azad University,
Dehagan, Iran

Reza Esmaili 

Assistant Professor of Management Department,
Isfahan Branch, Islamic Azad University,
Isfahan, Iran.

1. Introduction:

Being homeless and not having an effective and qualified guardian has always been a social issue. In Iranian society, like in other countries, laws related to social welfare have assigned the responsibility of handling and supporting orphaned children and adolescents to the government, and the task of caring for them has been assigned to the country's welfare organization.

Leaving the organization system for young people happens in different ways. Those who are adopted experience the youth transition more or less the same as their peers. This transition happens more safely for children covered by one of their parents or relatives, or for children who can return to the family bed during discharge. In the meantime, some children never get the chance to return to their families and relatives. In the literature on welfare organizations, such a situation is called "entering an independent life". A situation where, for various reasons, it is not possible to return to their parents or transfer to a substitute family, and at the right time, they have the possibility and ability to live independently.

This is especially difficult for people who have spent most of their lives outside the family and are deprived of family support.

* Corresponding Author: Asghar.mo.de@gmail.com

How to Cite: Bagheri, M; Mohammadi, A; Esmaili, R. (2024). The lived experience of homeless youth in the transition of independent life and entering the society in Tehran, *Journal of Social Work Research*, 10 (38), 1-44.

The current research seeks to answer this question: what is the experience of the homeless youth in living an independent life and entering society?

2. Literature review:

The set of investigations related to the research background related to the current research showed that neglected and abused children who enter society after the age of 18 may face many challenges in the fields of personal and social health. They face physical, psychological (emotional problems, lack of emotional and intellectual support), social (especially lack of shelter and inability to marry and start a family), and economic (especially employment). It seems that the dimensions of the problems and their complexities are large and are increasing depending on different cultures, so it is necessary to carefully analyze the results of the current research and to clarify other angles of the research problem.

3. Methodology:

The method of qualitative research is thematic analysis. The research participants included all orphaned and abused boys and girls transferred to independent living by the welfare organization of Tehran city, whose minimum age was 18 years and a maximum of 5 years had passed since their transfer. Sampling was selected by the purposeful sampling method and theoretical saturation was reached after conducting interviews with 20 people.

4. Results:

Analyzing the answers of the participants based on the first three stages of the concepts derived from the interviews, 280 codes were placed, and in the next stage, by combining the codes similar to the concepts and then combining the similar concepts from the data obtained from the interviews, into 7 main themes and 25 sub-themes.

5. Conclusion:

Leaving for an independent life can be a serious challenge for any young person. This issue is especially difficult for people who have been deprived of family support for a large part of their lives.

What was something that could be considered in the interviews by the researcher and perhaps caused some kind of concern: people had a double view of the future. They generally saw the future as vague and, although they sometimes expressed hope in words, this issue was not very decisive and was accompanied by doubts.

Centers have paid little attention to their interests and talents. Complying with this can have a great impact on the future of all young people who are going to enter society and contribute to it.

Not having a family and taking care of them in daycare centers is an important factor in the emergence of problems for young people after independence. Therefore, we conclude that it is very important to establish and develop relationships with family and relatives during the institutional care period, and all officials are obliged to make the necessary efforts to deepen and develop these relationships and provide the necessary facilities.

Housing and employment were also a problem for most young people, especially boys, after discharge. This was also the case for girls who were still single. Especially girls who did not have a supporter in their family after discharge. According to young people, providing them with a job after discharge is one of the most important things that welfare centers must do to make them operational.

The biggest concern of the studied youth is the lack of support from the officials of the center, the lack of a written program and counseling on the occurrence of problems for the youth after independence, and the failure to fulfill the promises of the officials.

6. Appreciation:

We hereby thank and appreciate the dear participants, especially the young people who have become independent of the welfare organization of Tehran Province, as well as the experts specializing in empowering children and youths of the welfare organization, for spending their time and sharing their experiences.

Key words: Bio-Social Experiences of Homeless and Poorly Cared for Youth, Independent Life and Entering the Society, Qualitative Method



تجربه زیسته جوانان بی سرپرست در گذر به زندگی مستقل و ورود به جامعه در شهر تهران

دانشجوی دکتری جامعه شناسی گروه های اجتماعی واحد دهقان دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

ماریتا باقری

دانشیار گروه جامعه شناسی واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

اصغر محمدی *

استادیار گروه مدیریت واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

رضا اسماعیلی

چکیده

سالیانه به طور متوسط حدوداً ۵۰۰ نفر از فرزندان تحت سرپرستی سازمان در کشور به صورت زندگی مستقل، ازدواج و... از سیستم حمایت های مستمر سازمان خارج می گردند و در زندگی مستقل در تشکیل زندگی مشترک، یا فردی بعضاً با مشکلات عدیده ای مواجه می شوند. در همین راستا هدف اصلی این پژوهش، تجربه زیسته جوانان بی سرپرست در گذر به زندگی مستقل و ورود به جامعه در شهر تهران است. تحقیق حاضر یک پژوهش کیفی بوده و به روش تحلیل مضمون انجام شد. ابزار پژوهش شامل مصاحبه عمیق فردی نیمه ساختاریافته است. مشارکت کنندگان پژوهش شامل دختران و پسران بی سرپرست انتقال یافته به جامعه بودند که حداقل سن آنها ۱۸ سال و از انتقالشان نیز حداکثر ۵ سال گذشته بود. انتخاب هدفمند بود. برای تحلیل داده ها از نرم افزار MAXQDA استفاده شد. در بررسی داده های حاصل از مصاحبه ها، به ۷ مضمون اصلی و ۲۵ زیر مضمون فرعی کدگذاری شد. یافته ها حاکی از احساس متناقض مشارکت کنندگان در بدو ورود به جامعه بود، از سویی رهایی از مرکز بسیار خوشایند بود از سوی دیگر ترس از تنهایی نیز مانع آرامش آنان شده بود، آنان درخواست حمایت های مادی و معنوی را داشتند و از اینکه زندگی جوانان بعد از ترخیص برای سازمان در اولویت نیست احساس ناراحتی می کردند.

واژه های کلیدی: تجارب زیستی- اجتماعی جوانان بی سرپرست و بد سرپرست، گذر به زندگی مستقل و ورود به جامعه، روش کیفی

بیان مسأله

بی سرپرستی و نداشتن سرپرست مؤثر و باصلاحیت همیشه بعنوان موضوعی اجتماعی مطرح بوده است. این کودکان به دلایل متعدد از حمایت و نگهداری خانواده محروم بوده‌اند و امکان زندگی در محیط خانواده را ندارند زیرا ممکن است یک یا همه افراد مؤثر در تأمین نیازهایش در زندگی را به دلایلی که می‌تواند ناشی از حوادث طبیعی یا غیرطبیعی باشد از دست بدهند. هرچند که تلاش در جهت حفظ بنیان خانواده بعنوان راهکاری در جلوگیری از پدیده بی سرپرستی همیشه مدنظر متخصصین بوده است لیکن گریز از آسیب‌های اجتماعی و تأثیرات آن بر خانواده هیچ‌گاه میسر نگردیده است و لذا ایجاد محلی امن برای مراقبت و پرورش کودکان ضرورت یافته است.

در جامعه ایران نیز همچون سایر کشورها قوانین مرتبط با رفاه اجتماعی مسئولیت رسیدگی و حمایت از این کودکان را به دولت سپرده و حقوق و تکالیف آنان را در این مسیر تعیین و وظیفه مراقبت و نگهداری از کودکان بی سرپرست را به سازمان بهزیستی کشور واگذار کرده است. (دستورالعمل تخصصی مراقبت و پرورش از کودکان تحت سرپرستی سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۹۲: ۱۴).

فرایند استقلال و ورود به جوانی به زمانی میان نوجوانی و میان‌سالی در زندگی هر فرد گفته می‌شود. از نظر رویکرد جامعه‌شناسی، جوانی یک فرایند و ساختار اجتماعی است که با رخدادهایی هنجار مانند ازدواج، فرزندآوری و اشتغال تعریف می‌شود. معمولاً سن جوانی بین ۱۸ تا ۳۵ سالگی تعریف شده است که در این پژوهش از جوانان بالای ۱۸ سال مصاحبه به عمل آمده است. خروج از سیستم سازمان برای کودکان و نوجوانان تحت پوشش بهزیستی به شیوه‌های مختلفی اتفاق می‌افتد آنهایی که به فرزندپذیری پذیرفته شده‌اند گذار به جوانی را کمابیش همانند سایر همسالان خود تجربه می‌کنند.

این گذار برای فرزندان که تحت پوشش یکی از والدین یا بستگان خود هستند و یا برای فرزندان که در حین ترخیص امکان بازگشت به بستر خانواده برای آنها ممکن است نیز به شیوه امن‌تری اتفاق می‌افتد. در این میان برای برخی از فرزندان، هرگز فرصت

بازگشت نزد خانواده و بستگان دست نمی‌دهد. در ادبیات سازمان بهزیستی چنین وضعیتی را «ورود به زندگی مستقل» می‌نامند؛ وضعیتی که بنا به دلایل گوناگون، امکان بازگشت نزد والدین یا انتقال به خانواده جایگزین را نداشته و در زمان مناسب و به تشخیص «تیم مراقبت» و تأیید «کمیته شبه خانواده» امکان و توانایی زندگی مستقل را دارا می‌شوند.

واقعیت این است عزیمت به زندگی مستقل یک چالش جدی برای هرکسی می‌تواند باشد. این مسئله به ویژه برای افرادی که بخش اعظم زندگی‌شان را خارج از خانواده گذرانده‌اند و از حمایت خانواده محروم هستند، بسیار دشوارتر است. سن انتقال به بزرگسالی به‌واقع دوره فرصت‌ها، چالش‌ها و انتخاب‌هاست. برخی از فرزندان گذار موفقی به زندگی پس از مراقبت خواهند داشت و در انتخاب گزینه‌های شغلی موفق عمل می‌کنند. (Dicson, 2007: 14)

لذا به منظور هدفمند نمودن فعالیت‌های حمایتی، استقلال یکپارچه و مستمر فرزندان، نظارت و کنترل دائمی آنان و به منظور پیشگیری از وارد آمدن هرگونه آسیب ناشی از عوامل طلاق و جدایی، نداشتن سرپناه مناسب و ثابت، از دست دادن شغل و سرمایه کار و... در زمان استقلال فرزندان اجرای این پژوهش ضروری می‌باشد. (ضوابط تخصصی دفتر امور کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۹: ۷).

پیشینه پژوهشی

فراتی، جوکار و هراتی (۱۳۹۹) در پژوهشی که به بررسی عملکرد مراکز نگهداری نوجوانان بی‌سرپرست پرداختند، ضمن بیان کاستی‌های رفتاری نوجوانان بی‌سرپرست و مشکلات ایشان برای مستقل شدن به دلایل مختلف از جمله کمبود مهارت‌های اجتماعی، معضل فرزندان بد سرپرست و بی‌سرپرست فقط با نگهداری آنان در محیط‌های امن حل نمی‌شود. این کودکان امروز نیازمند آموزش و در آینده نه‌چندان دور نیازمند داشتن شرایط محیطی مناسب برای ورود به جامعه هستند و باید بستر مناسبی برای حضور آنان در جامعه فراهم آید و موانع ورود آنان به جامعه از میان برداشته شود.

در پژوهشی که توسط شریعتی‌پور، برآبادی و حیدرنیا (۱۳۹۸) با شرکت دختران نوجوان بی سرپرست ساکن مرکز بهزیستی شهید هاشمی نژاد شهر مشهد اجرا شد، پژوهشگران بر این نکته که نوجوانان بی سرپرست نمرات پایینی در مؤلفه‌های امیدواری، خوش‌بینی، خودکارآمدی و تاب‌آوری داشته و فاقد مهارت‌های اجتماعی کافی برای سازگاری با تغییرات جامعه هستند، تأکید کردند.

پیمان‌فقیه و صداقتی فرد (۱۳۹۷) با پژوهش بر روی نوجوانان دختر بی سرپرست و بد سرپرست مستقر در مراکز شبه خانواده، همبودی دوره نوجوانی را با بی سرپرستی یا بد سرپرستی به دلایل فوت و اعتیاد والدین، طلاق، فقدان والدین و زندانی شدن آنان، عامل مهمی در بی‌انگیزگی این افراد نسبت به زندگی دانسته و این افراد را مستعد آسیب‌های روانی اجتماعی دانستند. پژوهشگران تأکید نمودند بر این اساس و با در نظر داشتن اینکه فقدان معنا در زندگی یکی از دلایل مهم عدم سازگاری فردی و اجتماعی و بروز مشکلات روان‌شناختی به ویژه در نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست است، بهره‌گیری از راهبردهای معنایی منجر به کشف معنای زندگی و افزایش تاب‌آوری آن‌ها در برخورد با مشکلات دوران بزرگسالی خواهد بود.

در یک تحقیق که توسط اودوونکو، ملنیچوک و قوربانیوک^۱ (۲۰۲۰) با هدف شناسایی افرادی از شهروندان عادی کشور اوکراین که برای راهنمایی و مربیگری کودکان بی سرپرست و بد سرپرست جهت آماده‌سازی برای ورود به جامعه و زندگی مستقل تمایل داشتند، انجام گرفت، پژوهشگران دریافتند که در این کودکان روابط عاطفی نزدیک با بزرگسالان که ضروری بوده و باید استمرار داشته باشد، از بین رفته و یا اصلاً شکل نگرفته است، لذا پیشنهاد کردند که در مؤسسات نگهداری این کودکان از مربی‌هایی استفاده شود تا با هدف رشد و بهزیستی روانی-عاطفی بهتر آنها گام‌های محکم، معتبر و باانگیزه‌ای برداشته شود. به اعتقاد محققان فوق ورود به جامعه برای زندگی مستقل بدون دریافت کمک و حمایت عاطفی با شکست مواجه خواهد شد.

1. Udovenko, Melnychuk & Gorbaniuk

شاو، آستین و سیمون^۱ (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «نیاز به آماده‌سازی جوانان بی‌سرپرست برای زندگی مستقل در آفریقای جنوبی» که به صورت کیفی انجام شد، به این نتیجه رسید که شرکت‌کنندگان در پژوهش برای زندگی پس از سرپرستی احساس آمادگی نمی‌کردند و نیاز به برنامه‌هایی برای آماده‌سازی جوانان جهت ورود به زندگی مستقل در آفریقای جنوبی وجود دارد. به اعتقاد ایشان جوانان بی‌سرپرست در بدو ورود به زندگی مستقل با چالش‌های متعددی مانند بیکاری، بی‌خانمانی و فقدان روابط بین فردی روبرو هستند که بر زندگی ایشان تأثیر می‌گذارد.

رافائلی، بن‌بنیشتی و زیرا^۲ (۲۰۱۹) در تحقیقی که بر ۲۲۲ جوان انجام دادند مشخص ساختند که جوانانی که مراقبت‌های والدینی را ترک می‌کنند در صورتی که حمایت‌های عاطفی والدین و سایر همسالان را از دست بدهند، رضایت از زندگی‌شان کاهش خواهد یافت. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که در صورت نبود سایر انواع منابع از جمله خواهر و برادر، شریک عاشقانه و حمایت‌های اجتماعی، رضایت از زندگی جوانان پس از ترک مراقبت‌های قبلی و تلاش برای ورود به زندگی مستقل کاهش خواهد یافت.

هافمن-لایتلا، سالوکیلا و کارکی^۳ (۲۰۱۸) با انجام یک پژوهش به روش مرور نظام‌مند به نتایج ارزشمندی دست یافتند. محققان فوق به یافته رسیدند که جوانان بی‌سرپرستی که وارد زندگی مستقل می‌شوند مشارکتی در تصمیم‌گیری درباره آینده خود نداشته‌اند. همچنین ایشان برای داشتن زندگی مستقل، در مراکز نگهداری مهارت‌های کمی کسب کرده بودند. افرادی که مراکز نگهداری را ترک کرده بودند، فاقد حمایت اعضای خانواده، ارائه‌دهندگان قبلی مراقبت‌ها و سازمان‌های حمایتگر بودند. به گفته پژوهشگران فوق، چالش‌هایی که جوانان اغلب در طول گذر به زندگی مستقل با آن روبرو بودند، مربوط به مدارک تحصیلی، مشکلات مسکن، اشتغال و بی‌ثباتی مالی، ایجاد روابط و همسان‌سازی با هنجارهای فرهنگی و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی بود.

1. Shaw, Steyn & Simeon

2. Refaeli, Benbenishty & Zeira

3. Hafman, Laitila, Salokila & Karki

مجموعه بررسی‌های مربوط به پیشینه پژوهشی مرتبط با تحقیق حاضر نشان داد که کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرستی که بعد از ۱۸ سالگی به جامعه ورود پیدا می‌کنند، ممکن است با چالش‌های وسیعی در حوزه‌های بهداشت فردی و اجتماعی، جسمانی، روان‌شناختی (مشکلات عاطفی، نداشتن حمایت‌کننده‌های هیجانی و فکری)، اجتماعی (به ویژه نداشتن سرپناه و عدم توانایی برای ازدواج و تشکیل خانواده) و اقتصادی (به‌ویژه اشتغال) روبرو می‌شوند. به نظر می‌رسد ابعاد مشکلات و پیچیدگی‌های آن زیاد بوده و بسته به فرهنگ‌های مختلف رو به افزایش می‌باشد، لذا ضرورت دارد نتایج پژوهش حاضر نیز با دقت تحلیل و نسبت به روشن شدن زوایای دیگر مسئله اقدام پژوهشی انجام شود.

چارچوب مفهومی

از آنجاکه در شناخت تجارب زیستی جوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست در گذر به زندگی مستقل تأکید بر روش کیفی است، لذا مبانی نظری در راستای تعیین چارچوب نظری نبوده و صرفاً جهت افزایش آگاهی و حساسیت نظری محقق نسبت به وجوه مختلف پدیده مورد مطالعه می‌باشد.

مکتب کنش متقابل نمادین

نظریه پردازان این مکتب عقیده دارند که انسان‌ها مخلوق اجتماع‌اند و از طرف دیگر انسان همیشه ممکن است به‌طور خودانگیخته و خلاق به شیوه‌ای که از جامعه نیاموخته است، عمل کند. نماد معنادار این توانایی را به انسان می‌دهد که در عکس‌العمل خود مکث کرده و آن را تمرین کند. این قدرت را به ما می‌دهند که از اشیای عالم فاصله گرفته و دست به آزمایش‌های سنجیده بزنیم. هر بار که درباره انجام کاری فکر می‌کنیم، همین جریان پیش می‌آید (توسلی، ۱۳۹۱: ۱۷۸).

نظم اجتماعی از نظر نظریه پردازان کنش متقابل نمادین حاصل فرآیند مستمر کنش متقابل بین اعضای جامعه است. کنش متقابل میان کسانی که وضعیت‌ها را در نظر گرفته و به آنها عکس‌العمل نشان می‌دهند. بنابراین دیدگاه کنش متقابل نمادین خیلی با نگرش به امور از منظر نظام اجتماعی سروکار ندارد. نکته اساسی در این است که مردم مستقیماً به جهان خارج واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه آنان به دنیای خارج معنایی اجتماعی داده و نسبت به آن معنا واکنش نشان می‌دهند. بر این اساس امنیت اجتماعی افراد در جامعه از یک سو بر فرایند شکل‌گیری خود و هویت افراد و از سوی دیگر بر تفسیر وضعیت جامعه و جهان اجتماعی با بهره‌گیری از نمادها در کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد. (Elliott, 2009: 248)

طرد اجتماعی

مفهوم طرد اجتماعی، سازه‌ای چندبعدی است که جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به‌طور هم‌زمان و همراه با فرایندهای شکل‌گیری و تعامل میان آنها دربر می‌گیرد. طرد اجتماعی فقدان منابع و یا نداشتن حقوق اجتماعی و فرایندی پویا در طول زندگی افراد محروم را نشان می‌دهد. پویایی فرایند طرد ناشی از محرومیت چندگانه، گسست پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی و گم کردن هویت و هدف است. بورچاردت^۱ معتقد است فقدان مشارکت در فعالیت‌های اصلی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در یک جامعه عنصری کلیدی از تعریف طرد اجتماعی است که آن را از مفاهیمی مانند فقر و محرومیت متفاوت می‌سازد (توسلی، ۱۳۹۱: ۵۳).

در حوزه طرد اجتماعی، تعدادی از گروه‌های اجتماعی، جمعیت‌های در معرض خطر محسوب می‌شوند. از جمله این جمعیت‌ها، دو گروه زنان و جوانان هستند که بیش از سایرین در معرض طرد شدن به معنای خاص قرار دارند. این در حالی است که داشتن

1. Borchardt

فاکتورهای مطرودساز چندگانه نظیر جنسیت، سن، قومیت، نژاد و نظایر آن به طور هم زمان و در تلاقی با یکدیگر، ممکن است احتمال طرد شدن در چنین گروه‌هایی را بسیار قوت بخشد (فروغیان، ۱۳۹۵: ۱۴۷).

نظریه انتخاب^۱

نظریه انتخاب توسط ویلیام گلاسر^۲ ارائه شد. در این نظریه به مردم کمک می‌شود تا خواسته‌ها، نیازها، ارزش‌های رفتاری و راه‌هایی را بررسی کنند که به رسیدن نیازهایشان کمک می‌کنند. در این نظریه بر واقعیت، قبول مسئولیت و شناخت امور درست و نادرست و ارتباط آن‌ها با زندگی روزمره فرد تأکید می‌شود. (گلاسر و وبولدینگ، ۲۰۰۳: ۲۱)

نظریه انتخاب معتقد است هر آنچه از ما سر می‌زند نظیر غذا خوردن، دعوا کردن، حتی مضطرب و غمگین بودن و... یک رفتار است و همه رفتارها از درون ما برانگیخته می‌شوند و معطوف به هدفی هستند و درصدد ارضای یکی از پنج نیاز اساسی (عشق و احساس تعلق، قدرت، تفریح، آزادی، بقا و زنده ماندن) است. استفاده از توصیه نظریه انتخاب برای تبیین جایگاه "گذشته" در رابطه با کودکان در فرایند گذار به زندگی مستقل بسیار مفید است. گلاسر معتقد به یک رویکرد مبتنی بر روانشناسی کنترل درونی است که در آن گذشته بر زندگی کنونی ما اثر شگرفی داشته ولی تعیین کننده رفتار کنونی ما نیست. بنابراین بر اساس این رویکرد، هر انسانی برآیند نیروها و عوامل بیرونی نیست؛ قربانی گذشته خود نیست؛ بازیچه لایه‌های زیرین مغز و هورمون‌ها نیست و به عبارتی همواره رفتار خود را انتخاب می‌کند (پروچاسکا و نورکراس، ۲۰۰۷: ۵۶).

نکته مهم قابل توجه دیگر نظریه گلاسر که لازم است بسیار مورد توجه مربیان و مدیران مراکز، مددکاران، روانشناسان و کارشناسان قرار گیرد. اشاره او به رفتارهای مخرب و ضرورت جایگزینی آن‌ها با عادات سازنده است. ویلیام گلاسر در کتاب تئوری انتخاب

1. Choice Theory

2. William Glaser

می‌کوشد عادت‌های مهلک که طرفداران کنترل بیرونی ارائه می‌دهند را با هفت عادت حمایت‌کننده، جایگزین کند. او این رفتارهای مخرب را منشأ مشکلات روان‌شناختی می‌داند. گلاسر بدین شرح به هفت‌گانه مخرب انتقاد کردن، سرزنش کردن، شکایت کردن، غر زدن، تهدید کردن، تنبیه کردن و باج‌دهی برای کنترل دیگران اشاره می‌کند. در عوض او معتقد است با جایگزین کردن این رفتارها با عادت‌های سازنده می‌توان به نتایج دلخواه دست یافت و کنترل و انگیزش درونی را برای حرکت و تغییر به‌دست آورد که عبارت‌اند از گوش سپردن، حمایت کردن، تشویق کردن، احترام گذاشتن، اعتمادسازی و اعتماد کردن، پذیرش و نهایتاً استفاده همیشگی از عنصر گفتگو برای حل اختلافات.

سؤال پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که تجربه جوانان بی‌سرپرست در گذر به زندگی مستقل و ورود به جامعه چیست؟

روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش کیفی و از نوع تحلیل مضمون^۱ است. مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل کلیه دختران و پسران بی‌سرپرست و بد سرپرست انتقال‌یافته به زندگی مستقل توسط سازمان بهزیستی شهر تهران بودند که حداقل سن آنها ۱۸ سال و از انتقال‌شان نیز حداکثر ۵ سال گذشته بود؛ یعنی از سنی که از سیستم سازمان خارج می‌شوند. سن انتقال به جامعه و آغاز زندگی مستقل، یا بعد از ۱۸ سالگی، یا بعد از گذراندن دوره سربازی و یا دانشجویی در نظر گرفته شده بود. نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند تجزیه و تحلیل و اکتشاف به اشباع نظری رسید. بعد از انجام مصاحبه با ۲۰ نفر به اشباع نظری^۲ رسید. روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته

-
1. Thematic analysis
 2. Theoretical saturation

بود. در این بررسی روایت‌های هدفمند که نیاز به تأمل بیشتری را داشته؛ دوباره بازخوانی شدند برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد.

در این پژوهش، بر اساس الگوی براون و کلارک^۱ (۲۰۰۷) برای انجام تحلیل مضمون گام‌های ذیل طی شده است: ۱- آشنایی با داده‌ها ۲- کدگذاری اولیه^۲ ۳- جستجوی مضامین^۳ (تبدیل کدهای اولیه به مضمون) ۴- مرور مضامین^۴ که این مرحله به ترسیم شبکه مضامین منجر می‌شود، ۵- نام‌گذاری تعریف مضامین^۵ (تحلیل مضامین) و ۶- تهیه گزارش^۶ بدین منظور از نرم‌افزار MAXQDA استفاده گردید. مطابق با نخستین گام تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، انجام ضبط، پیاده‌سازی و در نهایت در نرم‌افزار وارد شد. پس از مرور مکرر داده‌ها کدگذاری آغاز شد. مرحله سوم با تجزیه و تحلیل و در نهایت ترکیب کدهای مختلف به شکل‌گیری مضامین منجر شد در این مرحله برخی از کدها به هیچ مضمونی اختصاص نیافت یا برخی از کدها به چندین مضمون اختصاص یافت. در مرحله بعد با دسته‌بندی، ترکیب و تلخیص مضمون به دست آمده در مرحله قبل، شبکه مضامین ترسیم شد و بر اساس روندی مشخص و بر اساس چارچوب، مضامین فرعی و مضامین اصلی نهایی شد. (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۰)

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد درگیری طولانی مدت با داده‌ها و صرف زمان کافی برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، مقایسه تحلیلی از طریق ارجاع به داده‌های خام و بازبینی مضمون‌ها و مفاهیم توسط تعدادی از مشارکت‌کنندگان انجام شد. همچنین به منظور تعیین اعتبارسنجی کیفی محتوا و حصول اطمینان از اهمیت مفاهیم شناسایی شده و انتخاب مضمون‌های نهایی و با توجه به دسترسی به صاحب‌نظران حوزه فرزندان مستقل شده از روش دلفی فازی و دیدگاه ۱۰ نفر از خبرگان در دو راند با طیف فازی ۹ درجه گردآوری شد.

-
1. Brown & Clarck
 2. Generating initial codes
 3. Searching for themes
 4. Reviewing themes
 5. Reviewing themes
 6. Producing the report

جدول ۱- مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش

ردیف	جنسیت		سن	میزان تحصیلات					طول مدت اقامت در مرکز	وضعیت تأهل		وضعیت شغلی		وضعیت مسکن	
	دختر	پسر		زیر دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	ارشد		مجرد	متاهل	شاغل	بیکار	اجاره	خوابگاه
۱		۱	۲۴				۱		۱۲	۱		۱		۱	
۲	۱		۲۴			۱			۱۶	۱		۱			۱
۳		۱	۲۲				۱		۱۹	۱		۱			۱
۴		۱	۲۳		۱				۱۵	۱		۱			۱
۵	۱		۲۴		۱				۸		۱		۱	۱	
۶	۱		۲۳		۱				۹	۱			۱	۱	
۷		۱	۲۳		۱				۶	۱		۱		۱	
۸	۱		۲۲				۱		۹	۱		۱			۱
۹	۱		۲۲		۱				۳		۱	۱		۱	
۱۰	۱		۲۴				۱		۱۲		۱	۱			۱
۱۱		۱	۲۴		۱				۱۰		۱	۱		۱	
۱۲		۱	۲۴		۱				۱۰	۱		۱		۱	
۱۳		۱	۲۴	۱					۱۶		۱	۱		۱	
۱۴		۱	۲۴				۱		۱۲	۱		۱		۱	
۱۵		۱	۲۳			۱			۱۲		۱	۱			۱
۱۶		۱	۲۳				۱		۱۵	۱		۱		۱	
۱۷	۱		۲۴		۱				۶	۱		۱		۱	
۱۸		۱	۲۲				۱		۱۴		۱	۱		۱	
۱۹	۱		۲۱			۱			۱۷	۱		۱			۱
۲۰		۱	۲۱			۱			۱۹	۱			۱	۱	
جمع کل	۱۰	۱۰	۰	۲	۸	۳	۷	۰	۰	۱۴	۶	۱۷	۳	۱۳	۷

جدول ۲- یافته‌های این پژوهش دارای ۷ مضمون اصلی و ۲۵ زیرمضمون می‌باشد.

ردیف	مضمون اصلی	مضامین فرعی
۱	ویژگی فردی (روحی روانی، عاطفی)	حس آرامش و رهایی
۲		ترس از تنهایی
۳		احساس ناتوانی
۴		نگرانی از آینده
۵		نگاه مثبت به زندگی
۶		حس خود کم بینی
۷		مشکلات روحی روانی
۸	شناسایی ظرفیت‌ها	فرایند شناسایی استعداد
۹		پرورش استعداد
۱۰		تأمین منابع مالی مهارت خاص
۱۱	حمایت خانواده	فقدان تعهد خانواده
۱۲		خلأ وجود خانواده
۱۳		ارتباط با خانواده
۱۴	حمایت اقتصادی	سرپناه و مسکن
۱۵		اشتغال و کاریابی
۱۶		کمک‌هزینه اولیه
۱۷	حمایت اجتماعی	حمایت مسئولین
۱۸		طراحی و برنامه‌ریزی مدون
۱۹		مشاوره و روانشناختی نوجوان
۲۰	پذیرش جامعه	تغییر نگاه جامعه
۲۱		پنهان کردن واقعیت
۲۲		موانع جامعه‌پذیری
۲۳	بسترسازی برای ورود به جامعه	محدودیت و کنترل زیاد
۲۴		آماده سازی نوجوان
۲۵		توانمندسازی نوجوان

یافته‌ها

جدول شماره (۱) مشخصات عمومی مشارکت‌کنندگان را نشان می‌دهد تعداد ۱۰ دختر و ۱۰ پسر جوان در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال در این پژوهش شرکت داشتند که حداکثر ۵ سال از زمان مستقل شدن و ورود به جامعه گذشته بود بعضی از این جوانان تمام مدت عمر خود را در مراکز نگهداری شبانه‌روزی تحت نظارت سازمان بهزیستی در شهر تهران گذرانده بودند همچنین علت پذیرش این افراد در مرکز شبانه‌روزی یا از دست دادن هر دو سرپرست یا یکی از آنها بوده ولی به دلایل متعدد امکان زندگی در کنار آنان را ندارند. (دستورالعمل تخصصی دفتر امور کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۸: ۱۵).

تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از افراد مشارکت‌کننده در خصوص تجربه آنان از گذر به زندگی مستقل و ورود به جامعه منجر به استخراج مضمون‌ها و زیر مضمون‌های زیر گردید.

(۱) ویژگی فردی (روحی روانی، عاطفی)

این مضمون اصلی در خصوص مسائل و مشکلات عاطفی جوانان است. زیرمجموعه این مضمون ۷ مضمون فرعی می‌باشد که به برخی از مشکلات روحی و عاطفی در دورانی که فرد در مرکز بوده و بعد از ترخیص با آن درگیر شده بود، اشاره داشت.

۱-۱- حس آرامش و رهایی

ریشه تمایل به استقلال را می‌توان در محدودیت‌هایی دانست که در زمان زندگی در مراکز اعمال می‌شده است. به نحوی که جوانان عموماً مشکلات زندگی مستقل را فقط به خاطر اینکه از زندگی خوابگاهی رها می‌شدند، پذیرا بودند. اگرچه همه جوانان این دیدگاه را که حس رهایی بود نداشتند، برخی هم از مستقل شدن می‌ترسیدند. اما رضایت از مستقل شدن و حس خوب استقلال، مفهوم مشترک در عموم مصاحبه‌ها بود.

یکی از بچه‌ها در خصوص لذت حس مستقل شدن می‌گوید:
«از همه نظر الآن مستقلم آزادم اختیارم دست خودمه تصمیمات رو خودم می‌گیرم و لازم نیست از کسی اجازه بگیرم برای تصمیماتم لازم نیست نگران باشم که کسی کنترلم میکنه اذیتم کنه همه اینا هست...»
یکی از بچه‌ها که تجربه از زندگی در مرکز را دارد، ترخیص شدن و مستقل شدن را رهایی می‌داند و در این باره می‌گوید:
«بعد از این که مستقل شدم اوادم بیرون الان آرامش دارم یعنی خیلی برام خوب بود تجربه‌ای که الان دارم خیلی بهتر از اون موقع است».

۱-۲- ترس از تنهایی

این ترس از مستقل شدن در دختران بیشتر مشاهده شد. به نحوی که یکی از دختران در این باره گفت:
«خوب خیلی خوبه سختی‌هایی هم داره تنها بودن سخت بود برای اینکه به تنهایی زندگی می‌کردم ولی خوب کسی هم نبود بهم بگه چکار بکنم چکار نکنم کی پیام کی نرم این‌ها هم بود و خیلی مسائل دیگه هم بود که من به تنهایی از پس آنها برمی‌اوادم ولی به هر حال تنهایی هم به اندازه خودش سختی داره ولی خوب به تجربه‌ست به نظرم...»
یکی دیگر از دختران شوکه شده بود بعد از اینکه زمان ترخیص رو بهش یادآوری کرده بودند گفت:

«یک روز قبل از ترخیص گفتن باید بری و برای آمادگی به یه خونه دیگه رفتیم اونجا هیچی بلد نبودم تا شش ماه تو شوک بودم که چه اتفاقی افتاده چرا به من گفتن برو حالم بد بود اعصابم خورد بود هیچ کاری نمیتونستم بکنم احساس می‌کردم هیچی بلد نبودم آماده نبودم از تنهایی می‌ترسیدم».

۱-۳- احساس ناتوانی

مراکز باید از مسئولیت‌های بعد از مستقل شدن فرزند آنان را آگاه؛ و درگیر سازند و اجازه دهند که مسئولیت‌های زندگی مستقل را در خود مرکز تجربه کنند مثل پس‌انداز، مهارت‌های آشپزی، بهداشتی ... این موضوع اهمیت ویژه‌ای در کنترل زندگی در هنگام استقلال فرزندان دارد.

یکی از بچه‌ها در خصوص دیدگاه نادرست از مستقل شدن که به او القا شده بود می‌گوید:

«همیشه منو می‌ترسوندن می‌گفتن بیرون نمیتونی خودت رو جمع کنی
زندگی بیرون سخته شاید باید گرگ باشی تا بتونی از پس زندگی بیرون بر
بیای و خیلی چیزهای دیگه از این حرفا رو می‌زدن و من هم واقعاً از پس
انجام مسئولیت‌ها بر نمی‌ومدم».

۱-۴- نگرانی از آینده

امید عامل مؤثری در دستیابی به موفقیت‌های اجتماعی است و می‌تواند به عنوان یک عامل شفاف‌دهنده، چندبعدی، پویا و قدرتمند، نقش مهمی در سازگاری افراد بعد از ترخیص از مراکز بهزیستی داشته باشد. نداشتن امید به زندگی و یا پایین بودن آن، موجب می‌شود که فرد احساس کارآیی و خودکارآمدی پایینی داشته باشد، عزت‌نفسش کاهش یابد و به این ترتیب تلاش برای پیشرفت در زندگی را بیهوده بداند و در نتیجه موفقیت‌های کمتری به دست آورد.

یکی از دختران که حسابدار شرکت هست در این باره می‌گوید:

«یه کوچولو می‌ترسم به خاطر اوضاع اقتصادی که داریم به لحاظ مالی من
می‌خواستم که مثلاً جایی که گرفتم نمیتونم برم توش بشینم چون جای پرتی
هستش برای همین مجبور شدم که برگردم موسسه و دوباره کار بکنم یه

جایی رو به کمک وام و اداره بهزیستی گرفتیم بیشتر از شرایط اقتصادی می ترسم».

یکی از دختران که دانشجویست و بطور مستقل زندگی می کند می گوید:
«بچه هایی که در کنار خانوادشون زندگی می کنند نگران آیندشون نیستن ولی الان من نگران آینده ام زندگی ام بعد از تموم شدن درسم چی حمایت بهزیستی هم کافی نیست بعد ترخیص مارو رها میکنن و مسئولیت زندگی مون با خودمونه».

۱-۵- نگاه مثبت به زندگی

نگاه جوانان به زندگی امیدوارانه بود سعی بر این داشتند که با تلاش خودشان و حمایت های دولت از آینده خوبی برخوردار باشند. از احساس خوب و موفقیت خودشان صحبت می کنند... یکی از پسران در این باره می گوید:

«به مردم یا دوستانم می خوام بگم که هیچ وقت ناامید نشن تو سخت ترین شرایط فقط رو پای خودتون وایسن فقط توکل شون به خدا باشه».

یکی از دختران آینده روشن رو این گونه توضیح می دهد:

«در حالت کلی آینده خودم رو روشن می بینم مثلاً من جمعه ها به سمینار زنان موفق می رم و این چیزها رو به کسی نمیگم و سعی می کنم با افراد درست حسابی ارتباط بگیرم و دوستای درست حسابی و آدم حسابی داشته باشم و چیزی ازتون یاد بگیرم».

۱-۶- حس خودکم بینی

کودکان بی سرپرست و بد سرپرست که به دلیل شرایط سخت زندگی از خانواده بیولوژیکی خود خارج شده اند و در مراکز بزرگ شده اند، پس از ورود به جامعه و آغاز زندگی مستقل، اعتماد به نفس کافی ندارند و برای ورود به نقش های جدید اجتماعی با

مشکل روبه‌رو هستند. ادغام آن‌ها در فضاهای اجتماعی مشکل‌ساز می‌باشد. آن‌ها به سختی می‌توانند یا اصلاً نمی‌توانند رابطه درازمدت با محیط اجتماعی را به‌طور دقیق برقرار کنند، سطح پایینی از سازگاری اجتماعی دارند، احساس حقارت می‌کنند و ترس عمیقی نسبت به آینده در آن‌ها وجود دارد.

شیوا یکی از دخترانی که چند سال از ترخیصش می‌گذرد و فردی موفق است می‌گوید:

«شرایط اقتصاد خیلی بد شده خوب خودم را سرزنش می‌کنم هی اذیت میشم که چرا من اون موقع این کار رو نکردم که الان مشکلات پیش بیاد به چیزی که می‌خوام نمی‌رسم به خورده آزرده خاطر میشم من وقتی با یکی دو تا مشاور صحبت کردم به من گفتند تو بیش از اندازه از خودت توقع داری این موضوع باعث عدم پیشرفت تو میشه خودت رو سرزنش نکن ولی تلاشتو در همین حد نگه ندار، مثلاً من میگم حقوق سه میلیون تا چهار میلیون هیچی نیست حتماً باید برم کنارش یه کاری رو انجام بدم یه کاری رو بگیرم، بهم میگن تو پیشرفت کردی ارشد قبول شدی ولی این ایراد از خودمه که هیچ چیزی را قبول ندارم».

۷-۱- مشکلات روحی روانی

در نگاه جوانان مورد مطالعه، به صورت ویژه به مشکلات روانی و عاطفی اشاره داشتند که با آن درگیر بودند. برخی از آنها بشدت نیاز به مشاوره داشتند و آن را برای بعد از ترخیص بسیار ضروری می‌دانستند. در ادامه برخی از مشکلات را از زبان این افراد نقل می‌کنیم. یکی از دخترها می‌گوید:

«روانشناس کجا بوده اونجا ۲۰ نفر آدم بودیم که نمی‌رسیدن به امورات ما برس، بعد روانشناس می‌گرفتن، مربی‌ها انقدر درگیر دکتر و مدرسه و اینجور چیزا بودن که نمی‌رسیدن که رو مسائل روانی بچه‌ها کار کنند اصلاً

حواشون به پیشرفت و ذهنیت و آینده بچه‌ها نیست کاری که فقط براشون مهمه که شیفت رو شروع و تمام بکنند برن و اتفاقی فقط برای بچه‌ها نیفته».

۲) شناسایی ظرفیت‌ها

برخورداری نوجوانان از آموزش در جهت رشد شخصیت، استعدادها و توانایی‌های جسمی و ذهنی تا حد امکان، او را برای یک زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد آماده می‌سازد. از این رو سازمان بهزیستی به عنوان سرپرست قانونی کودکان بی سرپرست، تضمین رشد و پرورش همه‌جانبه آنان را از طریق ایجاد فضای سالم لازم و حمایت از آن بر عهده دارد. به همین منظور ارزیابی دقیق از وضعیت و توانمندی‌ها، استعدادها، آرزوها و علائق این فرزندان برای ورود به زندگی مستقل نقش بسزایی دارد.

۲-۱- فرایند شناسایی استعداد

به منظور رفع خلأهای موجود در خصوص نبود فرایند شناسایی استعداد و همچنین کمک در جهت بالفعل کردن استعدادهای بالقوه نوجوانان و تبدیل آنان به نیروهای مولد و سازنده در عرصه اجتماع و در نهایت دستیابی به توانمندی‌های اجتماعی و اقتصادی نیاز به پرورش استعدادهای برتر نوجوانان که در تغییر نگرش جامعه به پدیده بی سرپرستی نقش مؤثری دارد داریم.

یکی از جوانان در این خصوص مطرح کرد که اگر فردی استعدادی داشت حتماً مربیان پیگیری می‌کردند:

«بعضی از بچه‌ها به لحاظ استعدادی خیلی استعداد بیشتری داشتن خیلی حرفه‌ای‌تر و تخصصی‌تر روی اون‌ها کار می‌شد».

البته در این خصوص افرادی هم بودند که در خصوص استعدادیابی گلایه داشتند:

«همین که استعداد بچه‌ها رو شناسایی بکنند خیلی بهتره، کلاس‌ها در راستای شناسایی استعداد بچه‌ها نبود بعضیاش بود بعضیاش نبود هرکسی باید بره سمت استعداد خودش».

۲-۲- پرورش استعداد

سازمان بهزیستی جهت تقدیر و تشکر از فرزندان صاحب استعدادهای برتر و تشویق و ترغیب آنان به صورت سالیانه مناسبت‌هایی را در نظر می‌گیرد و این عامل باعث ایجاد زمینه‌هایی در جهت بستر مناسب برای تقویت و توسعه ظرفیت‌های هنری و مهارتی این جوانان فراهم خواهد شد و در آینده ما شاهد نیروهای بالقوه به نیروهای مولد جامعه در زمینه‌های درآمدزایی پایدار و مناسب خواهیم شد.

در این باره یکی از پسران با گلایه می‌گوید:

«برای من غیر از مدرسه کلاس‌های دیگه‌ای نفرستادن، بهشون گفتم حداقل مدرسه را عوض نمی‌کنید منو بفرستید سر یه مهارت حرفه‌ای که وقتی که بزرگ میشم ترخیص میشم فنی بلد باشم که اون هم نشد اون رو هم انجام ندادن گفتن تو نمیتونی، هیچ کار خاصی برای من انجام ندادن».

یکی دیگر از پسران خیلی اعلام رضایت می‌کرد تا جایی که به واسطه شکوفا شدن استعدادش و پرورش آن در حال حاضر که منبع درآمد خوبی برایش شده است می‌گوید:

«از این نظر خیلی خوب بود کلاس‌های خیلی خوبی برای ما می‌داشتن کلاس‌های کامپیوتر عکاسی نقاشی منم عکاسیم خیلی خوب بود پس به استعدادت اهمیت داده بودن؟ بله معلم گرفته بودن برامون».

۲-۳- تأمین منابع مالی برای مهارت خاص

به منظور تحقق بخشیدن به امر آموزش حرفه‌ای فرزندان و راهنمایی مطلوب آنان در جهت منابع اشتغال موجود در جامعه و ارتقاء سطح آگاهی‌های آنان لازم است اطلاعاتی از

وضعیت و موقعیت فرزندان شامل مشخصات فردی، میزان تحصیلات، علایق و استعدادها، حرفه پیشنهادی و... همچنین استفاده از منابع آموزشی موجود در سازمان فنی و حرفه‌ای و انجام برنامه‌های آموزش به صورت مشارکتی بین سازمان و مؤسسات بخش خصوصی آموزش‌دهنده که این آموزش‌ها بایستی تا مرحله کسب تخصص در هر رشته و دریافت مدارک تخصصی ادامه یابد. و همچنین برای تحقق این مورد نیازمند تأمین اعتبار از سوی سازمان می‌باشد.

یکی از پسران که به بدنسازی و فوتبال علاقه زیاد داشت گلایه‌مند بود:

«والا هر بار می‌گفتیم ما رو بفرستید بدنسازی یا اینکه کلاس موسیقی

می‌گفتن پول بابت این چیزها نمیدن».

و یکی دیگر از جوانان بیان می‌کند:

«هر هنری رو که من دست می‌زاشتم می‌گفتن ای بابا تو فقط میتونی اون

چیزی رو که ما می‌گیم بری».

۳- حمایت خانواده

در این مضمون به مسائل و مشکلات مربوط به خانواده پرداخته شد. بدین معنا، نظرات منعکس‌شده در این مضمون اصلی، دربرگیرنده ادراک نوجوانان نسبت به مسائل مربوط به خانواده است زیرا محقق در این پژوهش درصدد دستیابی به تعریف مفهوم مسائل مربوط به خانواده از منظر تجربیات آنان از وقایعی است که در فقدان یا وجود خانواده است.

۳-۱- فقدان تعهد خانواده

والدین به عنوان دارندگان سمت ولایت و حضانت در مقابل فرزندان تکالیفی بر عهده دارند که بخشی از این تکالیف مربوط به دوران قبل از تولد و بخشی دیگر ناظر به بعد از تولد است. اهمیت اجتماعی و حقوقی این وظایف و رعایت حقوق فرزندان ایجاب می‌کند که والدین با دقت و احتیاط لازم، رسالت مهم الهی را نسبت به فرزندان انجام دهند. لیکن

ممکن است آنان به جهت تقصیر یا قصور نتوانند به تعهدات خود عمل کنند. نوجوانان، از مسائل مربوط به تعهد خانواده در وضعیت فعلی در این مضمون اظهار نارضایتی می کنند. یکی از پسران در این باره می گوید:

«مادر پدرم از هم جدا شده بودند پدرم مواد مصرف می کرد و من را خیلی می زد سر همین مادرم سالی یه بار بهم سر می زد همه بدنم کبود بود رفت و شکایت کرد و خودش هم نتونست منو نگه داره چون ازدواج کرده بود من را گذاشت بهزیستی.»

۳-۲- خلأ وجود خانواده

از عوامل مخاطره آمیز در زندگی این نوجوانان خلأ حضور والدین، روابط مثبت خانواده ارتباط مؤثر و تعامل می باشد این مفهوم به شکل گسترده ای در تمام مصاحبه ها یافت شد که تأثیر بسیار زیادی در روند زندگی آنان گذاشته است. شجاع یکی از پسران که چند سالی هست از مرکز ترخیص شده در ارتباط با خانواده می گوید.

«خب سازمان که نمیتونه بجای پدر مادر باشه مثل اونا رفتار بکنن به نظر من هیچ کس نمیتونه جای پدر مادر رو بگیره».

۳-۳- ارتباط با خانواده

فرزندان مقیم مراکز برای ورود به زندگی مستقل با چالش ها و محدودیت های قابل توجهی مواجه هستند. آن ها اغلب در غیاب خانواده مؤثر باید دشواری های ورود به دنیای بزرگسالان را به تنهایی بدون داشتن پدر و مادری، خواهر و برادری به دوش بکشند. این فرزندان برخلاف عموم جامعه، نه یک روند تدریجی بلکه به یکباره پا در بزرگسالی می گذارند و واقعیت های زندگی یک جا در برابر آنها قد علم می کند. (بهروزی فر، ۱۴۰۰: ۳) هادی می گوید:

«پدر مادرم از هم جدا شدن شرایط نگهداری را نداشتند اعتیاد داشتن الان داداشام هستن داداشام یکیشون ازدواج کرده و یکیشون پیش منه». محمد از ارتباطش با پدر جانبازش می گوید:

«پدرم مواد می کشید چون جانباز اعصاب و روان بود ترکش تو سرش بود یه پاش مجروح بود مجبور بود که بکشه وقتی که نمی کشید خودتون میدونید که شیشه توهم زاست وقتی که مصرف می کرد چون مادرم راضی به مصرفش نبود درگیر می شدن مشکلاتی پیش اومد و من افتادم تو بهزیستی مواد میکشه که اعصابش آروم شه ولی از یه طرف موجب شد به خاطر شیشه مادرم مارو بزاره تو بهزیستی آیا خواهر برادرتو می بینی؟ خواهر برادرم زیاد نه ولی مادرم رو مرتب می بینیم».

۴) حمایت اقتصادی

این مضمون اصلی به نحوی با مضمون عدم حمایت مسئولان مرکز قرابت معنایی دارد، اما به جهت اهمیت و کثرت آن و اشتراک آن در بین تقریباً تمام افراد مورد مصاحبه، به صورت جداگانه ارائه شده است.

۴-۱- سرپناه و مسکن

مسکن، یکی از مهمترین دغدغه های جوانان پس از ترخیص و در شرایط بد اقتصادی جامعه می باشد. مسئله مسکن معضل مشترک تمام افراد مورد مصاحبه، دختر و به ویژه پسران بود. از نظر جوانان، مسکن یکی از مهمترین مواردی است که مراکز بهزیستی باید برای تهیه آن، تلاش و اقدام کنند.

یکی از پسران از اینکه تعدادی از دوستانش در حال حاضر جا و مکانی ندارند می گوید:

«به نظر من اولین و مهمترین شرط خونه است باز میگم به کاری بکنن که بچه‌ها حداقل آواره نشن چون الان خیلی از بچه‌های خودمون تو خیابون می‌خوابن».

۴-۲- اشتغال و کارایی

مشکل اشتغال، دغدغه‌ای بود که می‌توان گفت: معضل بیشتر جوانان و به ویژه پسران بعد از ترخیص بود. این موضوع در خصوص دخترانی که هنوز مجرد بودند نیز مصداق داشت. به ویژه دخترانی که بعد از ترخیص حامی در خانواده نداشتند. از نظر جوانان، فراهم کردن شغل برای آنان بعد از ترخیص یکی از مهمترین مواردی است که مراکز بهزیستی باید برای عملیاتی کردن آن، اقدام کنند. در این باره یکی از پسران می‌گوید:

«براشون کاسبی راه بندازن به مغازه به چیزی درست کنن به شغلی براشون فراهم کنن مهمترین چیز کاسبی کردن نه اینکه برن برای کسی کار بکنند ماهی دو تومن سه تومن فایده‌ای نداره یعنی تدابیری اندیشیده بشه که بچه‌ها زمان خروج‌شون به لحاظ مسکن و کار نگرانی نداشته باشند سرگرم بشن و نرن سراغ نمیدونم مواد و اینجور چیزا».

یکی از دختران پیشنهاد جالبی در خصوص بکارگیری بچه‌ها در مرکز را داد و می‌گوید:

«برای کار کردن تو سازمان از خود بچه‌ها استفاده بشه به عنوان پرسنل استفاده بکنن در مراکز شاغل بشن چون با بچه‌ها زندگی می‌کنند و در اونجا کار بکنن شاغل بشن بهتره...».

۴-۳- کمک هزینه اولیه

کمک هزینه ورود به زندگی مستقل شامل مبلغی است که از طرف سازمان بهزیستی پس از تأیید آمادگی فرزند برای ترک مراقبت در مرکز در کمیته شبه خانواده استان، با تأیید مددکار منتخب در اختیار فرزند قرار می گیرد. این مبلغ معادل ۱۲ ماه حقوق پایه مصوب سال جاری است و جهت اسکان، تجهیز آن و شروع به کار به فرزند پرداخت می شود. (دستورالعمل جامع فرزندان مستقل مرداد ۱۴۰۰).

در این باره یکی از پسران می گوید:

«حقیقتاً بهزیستی نه به ما کار داده نه حمایتی از ما کرده فقط به خدا قسم تنها حمایتشون این بوده که به ما حمایت غذایی شده بسته غذایی بوده اونم نه اینکه کامل بدن بلکه نصفش رو میدن و من باید بقیشو از جیب خودم بدم منی که الان متاهلم و بچه تو راهی دارم واقعاً نمی رسم یه سری چیزارو مثل کرایه خونه یا واسه قبض های آب و برق و گاز حقیقتاً موندم و جایی رو ندارم که بخوام برم چون توی بهزیستی بزرگ شدم».

یکی از دختران از پایین بودن سرانه ترخیص می گوید:

«اگر اون پولی که به بچه ها میدن از زمان ترخیص بیشتر بدن خیلی بهتره حداقل بچه ها تلاششونو بیشتر می کند که زندگی بهتری داشته باشند».

۵- حمایت اجتماعی

این مضمون اصلی به موضوع حمایت از جوانان و انتظارات آنان از سایرین و به ویژه مسئولان مرکز در این خصوص اختصاص دارد. موارد مربوط به این مضمون در ذیل ۳ مضمون فرعی گزارش شده است. بررسی فراوانی کدهای فرعی این مجموع نشان داد که بیشترین نگرانی و دغدغه جوانان مورد مطالعه، به نگرانی از عدم حمایت مسئولان مرکز اختصاص داشت، به ویژه حمایت های بعد از ترخیص که معمولاً صورت نمی گیرد.

۵-۱- حمایت مسئولین

جوانان پس از ترک اقامت در مرکز و در جریان زندگی مستقل همچنان نیازمند برخی حمایت‌ها و مساعدت‌ها هستند. بخش مهمی از این وضعیت ناشی از فقدان شبکه حمایتی فعال برای فرزندان به منظور دریافت حمایت در بزنگاه‌ها و تلاطمات زندگی، تنگناهای اقتصادی و وضعیت‌های بحرانی است.

یکی از بچه‌ها می‌گوید:

«احساس خیلی بدی دارم چرا چون چند سال اینجا زندگی کردم و سختی‌هایی رو کشیدم که فکر می‌کردم بعدش قراره مثل بقیه نباشم ولی الان خودمم و خودم هیچ حمایتی از هیچ کسی ندارم این برام خیلی سخت‌ها که الان هیچ حمایتی ندارم حمایت نمیشم و اینکه این همه میان تبلیغات می‌کنند آره ما حمایت می‌کنیم آره ما خونه می‌گیریم آره ما برای بچه هامون این کارو می‌کنیم اون کارو می‌کنیم بعد از این همه تبلیغات آیا اینا هیچ کدوم شامل من نمیشه ...».

۵-۲- طراحی و برنامه‌ریزی مدون

بر اساس دستورالعمل‌های اجرایی سازمان بهزیستی برای ورود جوانان به زندگی مستقل برنامه‌هایی را در نظر دارد از جمله آموزش مهارت‌های ده‌گانه، حرفه‌آموزی، آموزش رانندگی، ارتقاء توان هنری، ورزشی و... لیکن با توجه به استعداد و علاقه جوانان و گرایش آنان در زمینه‌های مختلف تحقق این برنامه ممکن می‌شود این برنامه‌ها و مداخلات مختلف جهت آماده‌سازی ذهنی، عملی و شغلی آنان می‌باشد.

یکی از پسران که در ن‌ت‌ورک مشغول به کار می‌باشد و خود را فردی موفق می‌داند در این باره می‌گوید:

«برنامه‌های بدی ندارن ولی در عمل و در اجرا یکمی مشکل‌سازه یا باید سربازی رفته باشی یا باید درس خونده باشی یا باید یه حرفه‌ای تخصصی بلد بشی تا بتونی از برنامه‌های او‌نا استفاده کنی»

۵-۳- مشاوره روان‌شناختی نوجوان

جوانان بعد از ترخیص از مرکز بیش از هر چیز دیگری به روابط سالم، بازدارنده و حمایتگر نیاز دارند. احساس طرد و رهاشدگی آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. ذات ارتباط همدلانه با جوانان، مؤلفه تأثیرگذاری در کیفیت زندگی و ادراک حمایت آن‌هاست. آن‌ها در موارد متعددی نیازمند راهنمایی، مشاوره و ارتباط با منابع اجتماعی می‌شوند که در چنین مواردی وظیفه مشاوران و مددکاران سازمان بایستی بیشتر باشد. یکی از بچه‌ها در خصوص لزوم مشاوره بعد از ترخیص را این گونه بیان می‌کند:

«من وقتی که اوادم بیرون دچار اعتیاد شدم دو سال تمام درگیر این موضوع بودم من به اشتباهی که کردم این بود که ارتباطم را با آدم‌هایی که داخل بهزیستی بودن رو قطع کردم و این باعث این موضوع شد»

دیگری می‌گوید:

«شاید اون کسی که از نظر ذهنی قویه بتونه همه اینها را انجام بده ولی من دوستانی داشتم که از لحاظ ذهنی قوی نبودند نیاز به مشاوره داشتن و کارشون به چیزهای دیگه کشیده شده مثل گل و تریاک و چیزهای مختلف دوستایی داشتم که متأسفانه این جوری شدن و به چشم خودم دیدم خوب نمیتونم که دروغ بگم».

۶- پذیرش جامعه

این مضمون به این موضوع می‌پردازد، و برای نوجوانان اهمیت دارد که از سوی جامعه پذیرفته می‌شوند یا خیر؟ زیرمجموعه این مضمون اصلی تغییر نگاه جامعه نسبت به کودکان بی سرپرست، پنهان کردن واقعیت زندگی از افراد در جامعه و موانع جامعه‌پذیری (عدم ضمانت‌های اجرایی برای شغل، وام و...) می‌باشد.

واژه‌هایی مثل بچه پرورشگاهی، دوری دوستان همسال، درک نشدن از طرف دیگران، در این مضمون طرح شده است. اکثر فرزندان از زندگی در مرکز در مقابل دوستان و افراد جامعه احساس شرم داشتند و سعی در پنهان نگه داشتن این موضوع از دیگران می کردند.

۶-۱- تغییر نگاه جامعه

در تجربه آنها نگاه جامعه و مردم نسبت به کودکان بی سرپرست خوب نیست و گهگاه تجربه رفتارهای نامناسبی از طرف آنان را داشته‌اند. آن‌ها می‌خواهند که جامعه بپذیرد آنها تفاوتی با سایر افراد جامعه ندارند جز تفاوت در داشتن خانواده که خارج از اختیار آنها است.

نوجوانان تحت پوشش سازمان بهزیستی همواره در معرض طرد از طرف افراد جامعه قرار دارند.

یکی از دختران در این باره می‌گوید این تغییر نگاه را من از خودم شروع کردم:
«ترحمی که من نسبت به بقیه داشتم دوست داشتم که بقیه نسبت به من
ترحم بکنن وقتی بزرگتر شدم وارد جامعه شدم تونستم این حس رو کنترل
کنم چون حس خوشایندی نبود دوست نداشتم افراد در جامعه بهم ترحم
کنند دوست داشتم مثل افراد عادی باهام برخورد بکنن».

۶-۲- پنهان کردن واقعیت

افراد مورد مصاحبه، از وضع موجود و زندگی در جامعه احساس شرم داشتند و سعی در پنهان نگه داشتن این موضوع می کردند. نیاز به پذیرفته شدن از سوی جامعه تقاضای تمام آنها بود و این موضوع در مصاحبه‌ها به وضوح مشهود است که جامعه باید با واقعیت وجودی آنها کنار بیاید و بپذیرد که آنها هستند و تفاوتی با سایر افراد ندارند.
یکی از پسران می گفت:

«وقتی مدرسه می رفتیم، اونایی که می فهمیدن ما بچه بهزیستی هستیم الکی به ما ترحم می کردن که حالت به هم می خورد فکر می کردن که بی کس و کاریم برای همین مجبور بودی که مخفی کنی از اینکه بچه بهزیستی هستی».

۶-۳- موانع جامعه پذیری

بحث پذیرش جوانان که از بهزیستی وارد جامعه می شوند، موضوع دیگری است که بیشتر جوانان با آن دست به گریبان هستند و احساس متفاوتی به آن دارند و عموماً احساس خوبی به آن نداشتند.

یکی از آنان که از عدم اعتماد جامعه به کودکان بهزیستی بشدت، ناراحت است (در خصوص ضمانت وام) می گوید:

«ما برای گرفتن وام مشکل داریم حتی از خود بهزیستی هم میخوایم وام بگیریم ضامن میخواد خوب مگه ما کس و کاری داریم که ضمانت مارو بکنن، برای پیدا کردن خونه و شغل دردسر داریم، آگه کسی بفهمه بچه سازمانیم بهمون شغل نمیدن، مگه اینکه خود بهزیستی برامون کار پیدا کنه».

۷- بسترسازی برای ورود به جامعه

این مضمون اصلی هم به یکی از مهمترین دغدغه های جوانان پس از ترخیص اشاره دارد. آماده نبودن برای ورود به زندگی در اجتماع موضوعی بود که هم برای دختران و هم پسران بسیار شایع بود و عمومیت داشت.

۷-۱- محدودیت و کنترل زیاد

جوانان اغلب در غیاب خانواده مؤثر باید دشواری های ورود به دنیای بزرگسالان را به تنهایی به دوش بکشند. این جوانان برخلاف عموم جامعه، نه یک روند تدریجی بلکه به یکباره پا در بزرگسالی می گذارند و واقعیت های زندگی یکجا در برابر آنها قد علم می کند.

در این باره یکی از جوانان معتقد است که دلیل این موضوع می‌تواند از محدود ساختن بیش از حد بچه‌ها در زمانی که در مرکز هستند، باشد. وی می‌گوید:

«توی مرکز سختی‌های خودشو داره سر ساعت بخوابیم، خاموشی داره میخوای بری بیرون، آزاد باشی باید اجازه بگیری این اجازه رو بهت نمیدن تنها بری بیرون اونجا محدودتر بودم الان آزادترم درسته خیلی‌ها سر این قضیه از مرکز فرار می‌کنند سر سخت‌گیری فرار می‌کنن».

۷-۲- آماده سازی نوجوان

مرحله آماده‌سازی در دوران اقامت نوجوانان در خانه‌ها سپری می‌شود و آن‌ها مهارت‌ها و آمادگی‌های لازم را برای ورود به زندگی مستقل کسب می‌کنند. در این دوره که از سن ۱۵ سالگی آغاز و تا چند ماه به سن ۱۸ سالگی را پوشش می‌دهد تلاش می‌شود مهارت مناسبی به کودکان آموخته شود و امکان درآمدزایی و استقلال مالی برای آن‌ها حتی در کنار تحصیل و دانشگاه فراهم شود و نهایتاً آسیب‌پذیری‌های آن‌ها در این دوره برطرف شود. (دستورالعمل جامع فرزندان مستقل مرداد ۱۴۰۰)

یکی از بچه‌ها از برقراری ارتباط با دیگران در جامعه نگران است و در این باره می‌گوید:

«پسرها وارد جامعه میشن چون دیگه دورشون پسر نیست نمی‌تونن احساسات خودشون رو بروز بدن شاید نتونم بگم دقیقاً وقتی با دختری آشنا بشن ممکنه که خودشون رو گم بکنن و نتونن ارتباط برقرار کنند».

یکی از بچه‌ها در خصوص تصویر نادرست از جامعه که به او القا شده بود می‌گوید:

«من خودم که اونجا بودم اجازه بیرون اومدن نداشتیم ما فکر می‌کردیم که آره همه آدمهایی که بیرون هستن همه خوین‌عالی‌اند و هیچ آدم بدی وجود نداره در صورتی که اصلاً این مدلی نبود، این جواری حس می‌کردیم».

۷-۳- توانمندسازی نوجوانان

هدف از توانمندی‌های نوجوانان این است که در تحصیل، اشتغال و آموزش، ارتقاء قابلیت کاری آن‌ها و کاهش وابستگی طولانی مدت آن‌ها به مزایای رفاهی و کاهش احتمال بزهکاری توجه ویژه‌ای شود.

در این باره یکی از پسران می‌گوید:

«مهم‌ترین مسئله اینه که وقتی بچه ترخیص میشه بعد از اون باید هواشو داشته باشند براش شغل درست حسابی جور بکنن خونه براش بگیرن ساپورتش کنن همه جوهر حمایتش کنن، از سازمان بعد از اینکه می‌ای بیرون باید حمایت کنن توانمندسازی بچه‌ها بعد از اینکه مستقل میشن براشون مهم‌تره بعد از ۱۸ سال که از اونجا می‌خواد مستقل بشه مهم‌تره».

بحث و نتیجه‌گیری

کودکانی که از فقدان داشتن خانواده مؤثر رنج می‌برند در آینده ممکن است با مشکلات عدیده عاطفی و روانی در مراحل زندگی و یا ترک تحصیل مواجه شوند، و دچار بحران شخصیت و عدم توانایی در برقراری ارتباط با اطرافیان خود شوند.

مشکل دیگری که ممکن است دامن‌گیر این افراد شود، زمانی است که می‌خواهند وارد جامعه شوند. عزیمت به زندگی مستقل یک چالش جدی برای هر فرد جوان می‌تواند باشد. این مسئله به ویژه برای افرادی که بخش زیادی از زندگی‌شان را از حمایت خانواده محروم بوده‌اند، بسیار دشوارتر است.

بر اساس مصاحبه‌های انجام شده می‌توان گفت نگاه افراد مصاحبه شونده از لحاظ روحی روانی با هم تفاوت داشته به نحوی که علیرغم اینکه بیشتر جوانان حس خوبی به مستقل شدن داشتند، اما برخی از آنان از استقلال می‌ترسیدند و نسبت به آن نگاه منفی داشتند. بدین صورت که اگرچه حس آرامش و رهایی، نگاه مثبت به زندگی در آینده در مصاحبه‌ها بیان شده است، لیکن تعداد کمی نیز ترس از تنهایی، ابراز ناتوانی در ورود به

جامعه و عدم آمادگی مستقل شدن را عنوان کردند، نتایج به دست آمده از مطالعه اودوونکو، ملنیچوک و قوریانیوک (۲۰۲۰) بیانگر این واقعیت است که جوانان برای ورود به جامعه و زندگی مستقل بدون دریافت کمک و حمایت عاطفی با شکست مواجه خواهد شد. که با نتایج این تحقیق همخوانی دارند، بنابراین باید با در نظر گرفتن تفاوت های فردی و شرایط روحی و عاطفی و قبل از ترک مراقبت از سیستم مراقبت سازمانی بایستی آنان را در زمینه ورود به زندگی مستقل آماده کرد.

در مصاحبه ها امید به آینده یکی از مواردی بوده که از سوی مصاحبه شونده ابراز می شد، در واقع محقق سعی داشت، بخشی از سؤالات پژوهش را به آن اختصاص دهد. این یافته نیز با نتایج تحقیق شریعتی پور (۱۳۹۸) همخوانی دارد. آنچه به نوعی در مصاحبه ها برای محقق قابل تأمل بود و شاید نوعی نگرانی را ایجاد می کرد؛ دیدگاه دوگانه افراد در خصوص آینده بود. آینده را عموماً مبهم می دیدند و اگرچه در کلام بعضاً اظهار امیدواری می کردند، اما این موضوع خیلی با قاطعیت نبود و همراه با شک و تردید بود.

عدم توجه به شناسایی ظرفیت ها، علائق و استعداد نوجوانان، یکی دیگر از مفاهیمی بود که بر آن تأکید شد. نتایج مصاحبه با بیشتر جوانان، گویای این واقعیت بود، که مراکز در خصوص توجه به علائق و استعدادهای آنان کم توجهی کرده است. این در شرایطی است که توجه به امر استعدادیابی می تواند، جامعه را پویا و به سمت توسعه پایدار و مستمر در حوزه منابع انسانی سوق بدهد. بدیهی است رعایت این امر، می تواند بر آینده تمام کودکانی که قرار است وارد اجتماع شوند و در آن سهم داشته باشند، بسیار تأثیرگذار است.

بنابراین باید برای فرزندان از سنین کم که استعدادهای خاصی در زمینه های هنری، علمی، فرهنگی، ورزشی و.... دارند با بهره گیری از اساتید مجرب در زمینه رشد و ارتقاء استعداد فرزند برنامه ریزی شود و به شکوفایی استعداد خاص او کمک کرد.

نداشتن خانواده و مراقبت و نگهداری آنها در مراکز شبانه روزی عامل مهمی در بروز مشکلات جوانان پس از استقلال می باشد. مفهوم نداشتن خانواده به شکل گسترده ای در

تمام مصاحبه‌ها یافت شد. هافمن و همکاران (۲۰۱۸) نیز به این نتیجه رسیدند که افرادی که مراکز نگهداری را ترک کرده بودند، فاقد حمایت اعضای خانواده، تیم مراقبت و مراکز و سازمان‌های حمایتگر بودند. بنابراین نتیجه می‌گیریم ایجاد ارتباط و توسعه روابط فرد در طول دوره مراقبت سازمانی با خانواده و بستگان بسیار اهمیت دارد و کلیه مسئولین مکلف هستند در مسیر تعمیق و توسعه این ارتباطات تلاش‌های لازم را انجام داده و تسهیلات موردنیاز را فراهم نمایند موضوع تعیین هویت، شناخت خانواده، بستگان و تعامل با آنان ازجمله آرزوها و مفاهیمی است که دل‌مشغولی همه دوران زندگی این افراد حتی در بزرگسالی می‌باشد. موضوعی که توسط تیم مراقبت خانه‌های کودکان و نوجوانان به خصوص مددکاران اجتماعی بایستی پیوسته و همه‌جانبه مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گیرد.

موضوع حمایت اقتصادی دغدغه بسیاری از جوانان تحقیق حاضر و نیز تحقیقات مرتبط با این حوزه بوده است. فصل مشترک اکثریت قریب به اتفاق جوانان مورد مصاحبه مسئله مسکن بود. این یافته در تحقیقات هافمن (۲۰۱۸) نیز، دغدغه اصلی عنوان شد. از نظر جوانان، مسکن یکی از مهمترین مواردی است که مراکز بهزیستی باید برای تهیه آن، تلاش و اقدام کنند. منسل (۲۰۱۴) نیز از مسکن بعنوان یک مشکل اصلی برای افراد پس از ترخیص از مراکز نام می‌برد و عنوان می‌کند مهم‌ترین مشکل پس از ورود به زندگی مستقل این است که آن‌ها بسیار تنها هستند، زیرا فرد قابل اعتماد در دسترسشان نیست که از او مشاوره و کمک بخواهند. همچنین پس از ورود به جامعه به دلیل نداشتن مهارت‌های زندگی و شغلی، در یافتن کار و تهیه مسکن مشکل دارند و نمی‌توانند از حقوق خود دفاع کنند. این مشکل در شرایط فعلی اقتصادی و با جود اقتصاد بیمار، امکان حل و فصلش به صورت کامل وجود ندارد؛ اما به نظر می‌رسد لازم است با مدیریت صحیح بخش قابل توجهی از این دغدغه از طریق تأمین کمک‌هزینه مسکن از طرف سازمان و تخصیص بودجه‌های قابل توجه به آن، تقلیل یابد.

اشتغال نیز معضل بیشتر جوانان و به ویژه پسران بعد از ترخیص بود. این موضوع در خصوص دخترانی که هنوز مجرد بودند نیز مصداق داشت. به ویژه دخترانی که بعد از ترخیص حامی در خانواده نداشتند. از نظر جوانان، فراهم کردن شغل برای آنان بعد از ترخیص یکی از مهمترین مواردی است که مراکز بهزیستی باید برای عملیاتی کردن آن، اقدام کنند.

حمایت اجتماعی به صورت مستمر پس از مستقل شدن، یک مضمون بسیار مهم در تحقیق حاضر بود که ردپای آن در بسیاری از مصاحبه‌ها دیده شد. نتایج این یافته با نتایج تحقیقات رافانلی (۲۰۱۹)؛ هافمن (۲۰۱۸)؛ همسو گزارش شد. موضوع این مضمون بیشتر بر حمایت‌های پس از ترک مراقبت اشاره داشت، برخی از مصاحبه شونده‌ها این عدم حمایت را سبب اعتیاد جوانان پس از استقلال می‌دانستند. بررسی فراوانی کدهای فرعی این مجموع نشان داد که بیشترین نگرانی و دغدغه جوانان مورد مطالعه، شامل نگرانی از عدم حمایت مسئولان مرکز، نبود برنامه مدون و مشاوره در بروز مشکلات برای جوانان بعد از استقلال و عدم تحقق وعده‌های مسئولان می‌باشد.

اما دغدغه دیگر جوانان که می‌توان گفت، به ورای مرزهای مراکز اختصاص داشت، «پذیرش جامعه» بود. نیاز به پذیرش از سوی جامعه یکی از مهمترین دغدغه‌های جوانان بود. بسیاری از محققان در تحقیقات مشابه، کم و بیش اهمیت این موضوع را مورد بحث قرار داده‌اند. اودوونکو (۲۰۲۰)، از جمله این افراد بودند. جوانان مورد مصاحبه، اکثریت قریب به اتفاق از وضع موجود و زندگی در مراکز شبانه‌روزی احساس شرم داشتند و سعی در پنهان نگه داشتن این موضوع می‌کردند. پذیرفته شدن از سوی جامعه، از طریق فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی مردم در خصوص عدم نقش جوانان در بی‌سرپرستی و نگهداری طولانی مدت در مراکز تقاضای تمام آنها بود و این موضوع که جامعه باید با واقعیت وجودی آنها کنار بیاید و بپذیرد که آنها تفاوتی با سایر افراد ندارند جز در داشتن خانواده که آن نیز خارج از اختیار آنان بوده است، بسیار حائز اهمیت بود.

بسترسازی برای ورود به جامعه یکی دیگر از مضمون‌هایی بود که در جریان مصاحبه از جوانان شناسایی شد. نتایج این یافته از نتایج تحقیق هافمن (۲۰۱۸) شاو (۲۰۲۰) حمایت می‌کند. محدودیت و کنترل زیاد در مراکز و آماده نکردن جوانان و همچنین عدم توانمندی بر مهارت‌های زندگی، برای ورود به زندگی در اجتماع موضوعی بود که هم برای دختران و هم پسران بسیار شایع بود و عمومیت داشت. از نظر جوانان، مراکز بهزیستی هیچ اقدامی مناسب جهت استعدادیابی، علائق و توانمندی کودک و نوجوان برای آماده‌سازی آنان برای ورود به اجتماع انجام نمی‌دهند. بیشتر این افراد وقتی وارد اجتماع می‌شوند، توانایی برقرار کردن ارتباط با افراد جامعه را ندارند. بسیاری از جوانان معتقدند، مراکز بهزیستی محدودیت‌های زیادی را برای افراد در زمینه ارتباطات اجتماعی و حضور در کنار سایر افراد جامعه ایجاد کرده و آموزش‌های لازم در این خصوص را به آنها نمی‌دهد. در این راستا لازم است، با بهره‌گیری از متخصصان و روان‌شناسان، در سال‌های آخر اقامت در مراکز برنامه آماده‌سازی جهت ورود جوانان به جامعه در نظر گرفته شود.

محدودیت‌های پژوهش:

✓ از محدودیت‌های پژوهش، دستیابی دشوار به جامعه مشارکت‌کننده بود که با توجه به اینکه جامعه آماری این پژوهش جوانانی بود که از مراکز بهزیستی ترخیص شده بودند، این دسترسی با دشواری مواجه بود.

✓ نبود منابع علمی با موضوع پیرامون تجارب جوانان مستقل شده از سازمان بهزیستی به زبان فارسی، تا حدودی موجب بهره‌گیری از منابع قدیمی گردید. به ویژه اینکه در رابطه با موضوع بی‌سرپرستی و بد سرپرستی در ایران کمتر مورد توجه نویسندگان و متخصصین بوده و مطالب موجود نگارنده مجبور بود برای انجام تحقیق و مطالعه تحقیقات پیشین از متون زبان انگلیسی که به صورت محدود قابل دسترسی بود استفاده کند و همین امر موجب گردید که مدت زمانی نسبتاً طولانی صرف این امر گردد.

✓ عدم همکاری برخی از جوانان موجب شد زمان زیادی از نگارنده جهت توجیه آنان گرفته شده و نهایتاً در صورت عدم موافقت هماهنگی با دیگر افراد در پیش گرفته شد.

✓ با توجه به اینکه نگارنده در سازمان بهزیستی شاغل می‌باشد و در این زمینه نیز اطلاعاتی داشته است، تناقض‌گویی‌های محدودی از جوانان با بخشنامه‌های ارسالی به استان‌ها به هنگام مصاحبه مقدار بسیار زیادی از انرژی نگارنده صرف تفکیک آنها گشت.

پیشنهادهای

✓ پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه تحقیقات و پژوهش‌هایی در زمینه‌های مسائل مربوط به فرزندان تحت سرپرستی سازمان کم صورت گرفته است با حمایت مالی سازمان بهزیستی پژوهشگران تشویق به تحقیق در این زمینه شوند.

✓ پیشنهاد می‌شود کلاس‌های آموزشی جهت این فرزندان از قبیل مهارت‌های زندگی، کلاس‌های فنی حرفه‌ای، آموزش پیش از ازدواج، آموزش مهارت‌های اجتماعی در دوران زندگی آنان در مراکز به جد انجام گیرد.

✓ به نظر می‌رسد جوانان برای اخذ وام مشکل ضامن را دارند پیشنهاد می‌شود رایزنی دفتر حقوقی سازمان برای دریافت وام اشتغال جوانان با بانک‌ها، برطرف کردن مشکل ضامن جوانان، چون فرزندان اکثراً خانواده‌ای ندارند که از ایشان حمایت کنند.

✓ به نظر می‌رسد بایستی کمک‌های مالی به جوانان برای ورود به زندگی مستقل با توجه به مشکلات اقتصادی موجود در جامعه بازنگری شود و درخواست افزایش سرانه با توجه به نرخ تورم انجام شود

✓ تهیه و تدوین شیوه‌نامه نظارت برای مددکاران بهزیستی پس از ترخیص فرزندان ضروری می‌باشد. چراکه آنان تجربه زندگی مستقل را نداشته و در برخورد با مشکلات احساس شکست و ناتوانی می‌کنند که لازم است مددکاران با تجربه با حمایت‌های مادی و معنوی آنان را راهنمایی کنند.

✓ پیشنهاد می‌شود تعاملات برون‌سازمانی با نهادهای حمایتی دیگر جهت همفکری و تقویت برنامه‌های حمایت طلبی دولت جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در جامعه همچون NGO ها، خیرین و... برای تأمین آینده گروه هدف مدنظر قرار گیرد.

تعارض منافع:

تعارض منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری:

این مقاله بخشی از پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی گرایش گروه‌های اجتماعی دانشگاه آزاد واحد دهقان است. بدین وسیله از مشارکت کنندگان عزیز به خصوص جوانان مستقل شده از سازمان بهزیستی استان تهران و همچنین از کارشناسان متخصص در امور توانمندسازی کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی بابت صرف وقت و اشتراک‌گذاری تجارب خود تشکر و قدردانی می‌گردد.

ORCID

Marita Bagheri

Asghar Mohammadi

Reza Esmail



<https://orcid.org/0009-0004-8222-0265>



<https://orcid.org/0000-0002-8419-6594>



<https://orcid.org/0000-0001-2345-6789>

منابع

- احمدیان، نوشین و ثمری، علی اکبر. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش گروهی مهارت مدیریت استرس بر تحمل ابهام نوجوانان دختر بی سرپرست و بدسرپرست. *اصول بهداشت روانی*، دوره یک، شماره ۱۹: ۵۲-۵۹.
- اسکندری پيله رود، سجاد و نجفیان پور، بانودخت و نژادمحمد نامقی، عاطفه. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مهارت‌های مثبت اندیشی بر عزت نفس و امید به زندگی نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ سال بدسرپرست و بی سرپرست، دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، دوره دو، شماره ۲۰: ۳۳-۲۴.
- بهروزی فر، مریم (۱۴۰۰) تجربه زیسته کودکان و نوجوانان بدسرپرست از زندگی در مراکز نگهداری شبانه روزی شهر تهران پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، دوره سه، شماره ۲۱: ۱۴-۱۷
- پروچاسکا، جیمز و نورکراس، جان. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۷)، *نظریه‌های روان‌درمانی (نظام‌های روان‌درمانی): تحلیل میان‌نظری*، چاپ سیزدهم، نشر روان
- پورغفاری بشری، بهناز. (۱۳۹۶). طراحی مرکز نگهداری از کودکان بی سرپرست در شهر بابل در جهت کاهش تنش‌های روانی کودکان از دیدگاه روان‌شناسی محیط با تمرکز بر رفتارگرایی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معماری*، موسسه آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی طبری.
- پیمان فقیه، شیما و صداقتی فرد، مجتبی. (۱۳۹۷). اثربخشی معنادرمانی بر معنای زندگی دختران بی سرپرست و بدسرپرست مستقر در مراکز شبه خانواده شهر تهران. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، دوره چهار، شماره ۷: ۱۵-۲۲.
- پیمان نامه حقوق کودک (۱۳۹۲). صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، تهران.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۹۱). *نظریه‌های جامعه شناسی*. تهران: انتشارات سمت.
- جامعی، سارا و مسعود، محمد. (۱۳۹۴). طراحی مرکز نگهداری از کودکان بی سرپرست بر اساس نیازها و تأثیرات آن بر اصلاح الگوی رفتاری این کودکان. *کنفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه کالبدی، کوه‌دشت، اردیبهشت ماه*.

- حصارسرخ، ربابه، اصغری نکاح، سیدمحسن، لعلزاده کندکلی، انسیه و پروانه، الهام. (۱۳۹۵). مقایسه پرخاشگری و دانش هیجانی کودکان پسر بی سرپرست و بدسرپرست با کودکان عادی. فصلنامه سلامت روانی کودک، دوره دو، شماره ۳: ۷۷-۸۵.
- دستورالعمل تخصصی دفتر امور کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۷، سازمان بهزیستی کشور.
- دستورالعمل تخصصی مراقبت و پرورش از کودکان تحت سرپرستی ۱۳۹۲، سازمان بهزیستی کشور.
- دشتی، علی و افشاری، مهنوش. (۱۳۹۴). طراحی خانه کودکان بی سرپرست. اولین همایش علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، تهران، ۲۶ مردادماه.
- رجبی، مسلم، بگیان کوله‌مرز، محمدجواد، بختی، مجتبی و کریمی‌نژاد، کلثوم. (۱۳۹۶). مقایسه شاخص‌های سلامت روان در کودکان بی سرپرست نگهداری شده در مراکز با کودکان سپرده شده نزد اقوام در استان لرستان. مجله پرستاری کودکان، دوره یک، شماره ۴: ۳۶-۴۲.
- رزاقی، رضا (۱۳۹۶). مراقبت و توانمندسازی کودکان دور از خانه، تهران: نشر ارجمند، چاپ اول.
- رضایی، الهام و حاجی‌علیزاده، کبری. (۱۳۹۶). مقایسه رفتارهای پرخطر، مهارت‌های ارتباطی و خودکارآمدی در نوجوانان پرورشگاهی، خانواده‌های جایگزین و عادی شهر بندرعباس. آموزش پرستاری، دوره پنجم، شماره ۶: ۵۴-۶۱.
- ریتزر، جورج. (۲۰۱۰). نظریه جامعه‌شناسی. ترجمه هوشنگ نایی (۱۳۹۵). تهران: نشر نی.
- زائرکعبه، صبا و رف رف، شهرزاد. (۱۳۹۴). تأثیر روانشناسی محیطی در مراکز نگهداری از کودکان بی سرپرست، اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، یزد.
- سالنامه آماری سازمان بهزیستی کشور (۱۳۹۹). سازمان بهزیستی کشور، تهران.
- سلیمانی‌فرد، سولماز. (۱۳۸۸). مقایسه میزان مهارت‌های اجتماعی نوجوانان بی سرپرست ساکن در مراکز با مهارت‌های اجتماعی نوجوانان ساکن در خانواده جایگزین مورد شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، دانشکده علوم رفتاری.

- شریعتی پور، سارا، برابادی، حسین احمد و حیدرنیا، احمد. (۱۳۹۸). اثربخشی واقعیت درمانی گروهی مبتنی بر تئوری انتخاب بر سرمایه و ان‌شناختی دختران نوجوان بی سرپرست. *پژوهش های مشاوره، دوره هفتادویک شماره ۱۸: ۳۷-۶۰.*
- عابدی جعفری، ح، تسلیمی، م. س، فقیهی، ا، و شیخ زاده، م. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون شبکه مضمون: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، *اندیشه مدیریت راهبردی، دوره دو شماره ۵: ۱۵۱-۱۶۸.*
- عبدی، مجید و عسگری، فائزه. (۱۴۰۰). اثربخشی «خانواده درمانی کارکردی» بر تمایز یافنگی خود و رضایتمندی زناشویی دانشجویان متأهل. *فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت، دوره چهار، شماره ۱۰: ۱۳۶-۱۴۷.*
- علیزاده، سیما، راهب، غنچه، میرزائی، زهرا و حسین زاده، سمانه. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش کفایت اجتماعی بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مراکز شبانه روزی بهزیستی در شهرهای مشهد و سبزوار. *مجله توانبخشی، دوره یک، شماره ۵۴: ۲۱-۷۳.*
- عشقی ثانی، نبی اله (۱۳۹۴). شیوه نامه مراقبت و تربیت فرزندان، تهران: سازمان بهزیستی کشور.
- فراتی، حسن، جوکار، علی اکبر و هراتی، لیلا. (۱۳۹۹). ارزیابی عملکرد مراکز نگهداری نوجوانان بی سرپرست سازمان بهزیستی کشور با روش AHP و ARAS (مورد مطالعه: استان های سمنان، گلستان و خراسان شمالی). *مدیریت سازمان های دولتی، دروه دو، شماره ۸: ۱۱۳-۱۲۸.*
- فروغیان، مریم. (۱۳۹۵). نظریه های جامعه شناسی. تهران: انتشارات سیما.
- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست (۱۳۹۵)، تهران: سازمان بهزیستی کشور.
- کرد، زهرا، دشت بزرگی، بهمن، ریاحی، فروغ و لطیفی، سید محمود. (۱۴۰۰). بررسی رابطه کارکرد خانواده با میزان بار مراقبتی تجربه شده والدین دارای کودک مبتلا به اختلال ADHD. *مجله پرستاری کودکان، دوره چهار، شماره ۷: ۷۴-۸۳.*
- کریمی، صدیقه، نجفی، محمود و محمدی فر، محمد علی. (۱۳۹۵). مقایسه اختلالات رفتاری، عزت نفس و رضایت از زندگی در دانش آموزان بی سرپرست و عادی. *روان شناسی مدرسه، دوره سه، شماره ۵: ۱۶۷-۱۸۲.*

- گلاسر، ویلیام ترجمه علی صاحبی (۱۳۹۹)، *درآمدی بر روانشناسی امید؛ نظریه انتخاب*، تهران: نشر سخن. (سال انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۸).
- ملکی فاراب، ندا، شجاع نوری، فروغ الصباح، بستان نجفی، حسین، حسینیان، سیمین و لیبی، محمد مهدی. (۱۳۹۶). تدوین شاخ ها و ترسیم الگوی کارکردهای خانواده در اسلام با بهره گیری از تکنیک پژوهش کیفی داده بنیاد. *مطالعات زن و خانواده*، دوره دو، شماره ۵: ۹۹-۶۱.

- Bakker, A, Maertens, K.J, Van Son, M.J, Van Loey, N.E. (2013). Psychological consequences of pediatric burns from a child and family perspective: *A review of the empirical literature, Clinical psychology review*, 33(3),361-371.
- Bowlby, J. (2007). Attachment. PWN Scientific Publishing House. Warsaw. Chicago, IL: *Collaborative for Academic, Social, and Emotional Learning*.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). *Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology*, 2(5), 77-101.
- Bridges, W. (2018). *Managing Transitions: Making the Most of Change*. (25nd Ed). Cambridge, MA: Da Capo Press.
- Chiroma, N. (2016). Providing mentoring for orphans and vulnerable children in internally displaced person camps. *The case of northern Nigeria*, 72(1), 1-7.
- Dorsey, S., Lucid, L., Murray, L., Bolton, P., Itemba, D., Manongi, R, et al. (2015). A qualitative study of mental health problems among orphaned children and adolescents in Tanzania. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 203(11), 70-864.
- Häggman-Laitila, A., Salohekkilä, P., & Karki, S. (2018). Transition to adult life of young people leaving foster care: A qualitative systematic review. *Children and Youth Services Review*, 95(2), 134-143.
- Meghdadpour, S., Curtis, S., Pettifor, A., & MacPhail, C. (2012). Factors associated with substance use among orphaned and non-orphaned youth in South Africa. *J Adolesc*, 35(5), 29-40.
- Mencil, A. (2014). *From Endangered Family Towards own Family. Experiences and Expectations of Social Orphans*. *Pedagogy*, 116(4), 170–182.
- Mercy, S., & Latifat, I. (2017). Orphanhood Prevalence, Living Arrangements and Orphan Hood Reporting in Lesotho, Malawi and Zimbabwe. *Journal of Child Indicators Research*, 10(4), 929-943.
- Miller-Slough, R. L. & Dunsmore, Julie C. (2016) "Parent and Friend Emotion Socialization in Adolescence: Associations with Psychological Adjustment". *Adolescent Research Review*, 1(4), 287-305.

- Nestler, J., & Goldbeck, L. (2011). A pilot study of social competence group training for adolescents with borderline intellectual functioning and emotional and behavioral problems (SCT-ABI). *Journal of Intellectual Disability Research*, 55(2), 31-41.
- Perry, E. W., Culbreth, R., Swahn, M., Kasirye, R., & Self-Brown, S. (2020). Psychological Distress Among Orphaned Youth and Youth Reporting Sexual Exploitation in Kampala, Uganda. *Children and youth services review*, 35(1), 105- 119.
- Rahman, W., Mullick, M., Pathan, MAS., Chowdhury, NF., Shahidullah, M., Ahmed, H., et al. (2012). Prevalence of behavioral and emotional disorders among the orphans and factors associated with these disorders. *Bangabandhu Sheikh Mujib Medical University Journal*, 5(1), 29-34.
- Refaeli, T., Benbenishty, R., & Zeira, A. (2019). Predictors of life satisfaction among care leavers: A mixed-method longitudinal study. *Children and Youth Services Review*, 99(3), 146-155.
- Seidman, S. (2016). *Contested knowledge: Social theory today*. John Wiley & Sons.
- Shaw, M., Steyn, M., & Simeon, E. (2020). The need for preparing youth ageing out of foster care for independent living in South Africa. *Children and Youth Services Review*, 72(4), 104-109.
- Udovenko, I., Melnychuk, T., & Gorbaniuk, J. (2020). Mentoring as an individual form of preparing orphans for independent living in Ukraine. *Current Problems of Psychiatry*, 21(3), 167-173.
- Yaremenko, O. (2016). Conducting research on the provision of social services to children: *an analyst. Report. Ukr. Inst. of Soc. experiment. Them.*
- Zapata, L., Kissin, D., Bogoliubova, O., Yorick, R., MarieKraft, J., Jamieson, D., Marchbanks, P., & D.Hillis, S. (2013). *Orphaned and abused youth are vulnerable to pregnancy and suicide risk*. *Child Abuse & Neglect*, 37(5), 310-319.
- Zeman, J., Cassano, M., & Adrian Molly, C. (2013). *Socialization influences on children's and adolescents' emotional self-regulation processes*. Handbook of self-regulatory processes in development: New directions and international perspectives, 14(5), 79-106.

استناد به این مقاله: باقری، ماریتا؛ محمدی، اصغر و اسماعیلی، رضا. (۱۴۰۲). تجربه زیسته جوانان بی سرپرست در

گذر به زندگی مستقل و ورود به جامعه در شهر تهران، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۱۰ (۳۸)، ۴۴-۱.



Social Work Research Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.